

مرد

گزیده‌ای از متون جامعه‌شناسی هنر

• شرق: «جامعه‌شناسی هنر: گزیده آثار» کتابی است دربرگیرنده چکیده‌ای از مهم‌ترین و اساسی‌ترین متون نویسندگان معاصر در حوزه جامعه‌شناسی هنر که با ویراستاری جرمی تتر و ترجمه حسن خیاطی در نشر علمی و فرهنگی منتشر شده است. این کتاب درواقع مقدمه‌ای درباره مباحث و نظریه‌های اصلی جامعه‌شناسی هنر برای دانش‌جویان یا علاقه‌مندان به این حوزه است. کتاب از پنج بخش تشکیل شده که در آنها درون‌مایه‌های کلیدی جامعه‌شناسی و تاریخ هنر به بحث گذاشته شده است. عناوین این فصل‌ها عبارت‌اند از: نظریه کلاسیک جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی هنر، تولید اجتماعی هنر، جامعه‌شناسی هنرمند، موزه‌ها و ساخت اجتماعی فرهنگ والا و در نهایت جامعه‌شناسی، شکل زیبایی‌شناختی و ویژگی خاص هنر. کتاب همچنین جستاری مقدماتی دارد که در آن آثار برگزیده این حوزه در بافت سنت‌های جامعه‌شناسی و تاریخ هنر مدنظر قرار گرفته‌اند و ریشه‌ها و رشد این دورشته علمی با هم مقایسه شده‌اند. همچنین، به گفت‌وگوی بین‌رشته‌ای میان جامعه‌شناسی و تاریخ هنر هم توجه شده و شرح مختصر و جامعی از این بحث ارائه شده است. به این ترتیب این کتاب برگزیده‌ای از متن‌های اساسی برای دانشجویان جامعه‌شناسی هنر و دانشجویان تاریخ هنر است. در بخش مقدمه، جامعه‌شناسی و تاریخ هنر رشته‌های علمی جدیدی معرفی شده‌اند که با توسعه ساختارهای اجتماعی و نهادهای فرهنگی مدرن در قرن نوزدهم رشد کردند. نویسنده کتاب، جرمی تتر، مدرس هنر و باستان‌شناسی یونان و روم و برنامه‌ریز تحصیلات تکمیلی در بخش باستان‌شاسی و هنر تطبیقی در کالج دانشگاه لندن است. او در این کتاب، تلاش کرده مقدمه‌ای برای آشنایی با متون اصلی جامعه‌شناسی هنر، از منابع قرن نوزدهم آن در مارکسیسم تا نظریه‌پردازان معاصر، فراهم کند. هر بخش کتاب با شرحی مقدماتی و کوتاه آغاز می‌شود. این شرح‌ها درباره رهیافت‌ها و موضوعات اصلی جامعه‌شناسی هنر در هر کدام از آن حوزه‌هاست و در آنها به خصوص تلاش می‌شود تمایز رهیافت‌های جامعه‌شناختی با رهیافت‌های اصلی تاریخ هنر مشخص

جامعه‌شناسی هنر: گزیده آثار

شود و حوزه‌هایی برای همکاری این دورشته و بهره‌مندی آنها از بیش‌های عمیق‌تر یکدیگر نشان داده شود. در این شرح‌های مقدماتی پس‌زمینه‌های فکری و مفاهیم کلیدی هر کدام از این متون نیز معرفی و تشریح شده است. نویسنده در پیشگفتارش به دو هدف عمده کتاب اشاره کرده است: نخست اینکه کتاب از نظر فکری هیجان‌انگیز باشد و به آثار مهم‌ترین جامعه‌شناسان از قرن نوزدهم تا امروز بپردازد و سپس اینکه بین‌رشته‌ای باشد: «بهترین نوشته‌های تاریخ هنر، حداقل به‌طور تلویحی، متضمن بیش‌های جامعه‌شناختی است و محور پژوهش بهترین آثار جامعه‌شناسی هنر پرسش‌های مرتبط با عاملیت هنری و شکل زیبایی‌شناختی است. در نتیجه یکی از اهداف اولیه این متون برگزیده فراهم‌آوردن وضعیتی است تا دانشجویان تاریخ هنر راحت‌تر متوجه شوند از بررسی نظام‌مندتر دیدگاه‌های جامعه‌شناختی درباره هنر، چه بهره بافول‌های می‌برند. جامعه‌شناسان نیز به سنتی انتقادی در اندیشه تاریخ هنر و جامعه‌شناسی هنر دسترسی خواهند داشت که به آنها اجازه می‌دهد به گونه‌ای متنوع‌تر و زیبایی‌شناختی‌تر، یعنی به شیوه‌ای که پیش‌تر در حوزه اندیشه جامعه‌شناختی مرسوم بوده است، به مسائل معاصر توجه کنند».

متن‌های بخش اول کتاب همگی از نظریه‌پردازان کلاسیک جامعه‌شناسی هستند که هریک موضع متمایزی درباره مسائل کلیدی اندیشه جامعه‌شناختی دارند. پس از مطالعه این متون برگزیده مشخص می‌شود که جایگاه نویسندگان بعدی تا چه حد در دوری و نزدیکی آنها با دیدگاه‌های مختلف این نظریه‌پردازان تعریف و تشریح می‌شود. در قسمتی از بخشی که به کارل مارکس مربوط است آمده: «در این بخش متون برگزیده، گزاره‌های فشرده‌ای از نظریه مارکسیستی درباره تاریخ و دلالت‌های آن برای تحلیل و فهم تولید فرهنگی وجود دارد. اولین گروه از این گزاره‌ها مفاهیم کلیدی نظریه مارکس را تعریف می‌کند: زربنا، روبنا و روابط متقابل و پویای این مؤلفه‌های موجود در ساختار اجتماعی؛ گروه دوم بسط نظریه‌ای عمومی درباره ایدئولوژی و تولید ایدئولوژیک است. در این قسمت تأکید می‌شود که تجارب مادی بنیان بازتاب فرهنگی تفکرات هستند. بدین ترتیب، ایدئولوژی‌ها اغلب واقعیت مادی را، مثل یک دوربین عکاسی، وارونه می‌کنند و نابرابری را مشروع جلوه می‌دهند. کنترل طبقه حاکم بر ابزار تولید فرهنگی باعث می‌شود در تحلیل نهایی، استقلال نسبی تولیدکنندگان فرهنگی متخصص در جوامع پیچیده فقط یک توهم باشد. آخرین گروه نقش سنن فرهنگی را در چارچوبی مادی‌گرایانه بررسی می‌کند. مسئله هنر یونان که مدت‌ها از افول شرایط مادی که باعث ظهور آن شد، می‌گذرد و هنوز ارزشی جاودانه دارد، نشان می‌دهد بین رشد زیبایی‌شناختی و اجتماعی مطابقت وجود ندارد. تحلیل مارکس از کاربرد فرم‌های فرهنگی گذشته در موقعیت‌های انقلابی -برای مثال در تصویرپردازی جمهوری روم توسط انقلابیون فرانسوی- نقش فعال‌تر و سازنده‌تر فرهنگ را در تغییر اجتماعی نشان می‌دهد و محدودیت‌هایی را که باعث می‌شود زیربنای اجتماعی، فرهنگ اظهاری تجسمی را تعیین کند، مورد پرسش قرار می‌دهد».



نادر شهریوری (مصدق)

تنها باورهای «متافیزیکی» به زندگی آدمی معنا نمی‌دهد بلکه باورهای «فیزیکی» نیز زندگی را معنادار می‌کند. مقصود از باورهای فیزیکی باورهای این جهانی است که بیانگر بیش، رفتار و به بیانی دقیق‌تر اخلاقیات طبقه متوسط شهری است که طی دوران اخیر شکل گرفته است. زویا پیرزاد در رمان مشهور «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» نمونه‌ای از خلق وخوی شهری را در خانواده‌ای متوسط به نمایش درمی‌آورد.

کلاریس، زنی در آستانه میانسالی، شخصیت اصلی رمان است و در همان حال راوی آن نیز هست. او که زنی بادرایت است، امور خانواده پنج‌نفره خود -همسرش آرتوش و سه فرزندش- را با دقت و هوشیاری اداره می‌کند. کلاریس اگرچه زندگی خود را گاهی یکنواخت و کسل‌کننده می‌یابد و حتی تصمیم می‌گیرد کاری برای دل خود بکند، اما در نهایت کاری برای دل خود نمی‌کند و می‌گذارد زندگی به همان روال سابق، همراه با «نظم» و «تکرار» که لازمه زندگی‌اش است ادامه یابد تا حس رضایت شخصی که از زندگی حاصل می‌آید، کماکان پابرجا بماند. حس رضایت شخصی صرفا حس رضایتی شخصی نیست بلکه باوری است که به زندگی کلاریس معنا می‌دهد. این امر به واسطه «تکرار» صورت می‌گیرد. «تکرار» در زندگی کلاریس نقش مهم انبغایی می‌کند. خواننده از همان ابتدا با نظم کلاریس که بر اثر تکرار امور روزمره روتین شده آشنا می‌شود. این نظم و تکرار برای خود کلاریس واجد معنایی است که در وی درونی شده است. «صدای ترمز اتوبوس مدرسه آمد. بعد قیژ در فلزی حیاط و صدای دویدن روی راه‌پاریکه وسط چمن. لازم نبود به ساعت دیواری آشپزخانه نگاه کنم، چهاروربع بعدازظهر بود. در خانه که باز شد دست کشیدم به پیشبندم و داد زدم: رویوش درآورن، دست و رو شستن، کیف پرت نمی‌کنیم وسط راه‌رو». نظمی که کلاریس برای رتق و فتق امور خانه در پیش می‌گیرد، نظمی آمرانه نیست بلکه بخشی دلنشین است که به فضای خانه آرامش می‌بخشد و خانواده نیز با آن خو گرفته است. علاوه بر این به نظر کلاریس با رعایت چنین مؤلفه‌هایی است که می‌توان به پیشرفت واقعی در زندگی رسید. پیشرفت در زندگی شخصی رؤیای طبقه متوسط و فی‌الواقع همان در باغ سبزی است که زندگی شهری -بورژوازی- وعده تحقق آن را می‌دهد. از این نظر کلاریس در ادبیات ایران نماینده خواست و آمال قشری از طبقه متوسط ایران در دوره‌هایی از تاریخ معاصر ایران است.

شروع داستان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»، با ورود سرزده امیلی به همراه دوقلوهای خانواده آرمینه و آرسینه آغاز می‌شود. خانواده امیلی سیمونیان، خانواده‌ای از دیرباز مشهور و ثروتمندند. آنها ثروتمان را از راه تجارت در شهرها و کشورهای مختلف به دست آورده‌اند. امیل سیمونیان، پدر امیلی، مرد در حال حاضر مجرّد، تنها فرزند خانم سیمونیان است. این خانواده سه‌نفره اما پربهاو تحت تسلط خانم سیمونیان هستند. خانم سیمونیان زنی مصمم و خودرأی است که به دیگران توجهی نمی‌کند، زیرا به آنها اهمیتی نمی‌دهد. او از همان

ابتدا و در بدو ورود به آبادان، چهره مغرور و تلخ خود را نمایان می‌کند: «قورباغه‌های ناپیدا دوباره قور کرد و این بار قورباغه دیگری با قور بلندتری جواب داد، دستپاچه شدم. دلیش شاید کوتاهی قد مادر بزرگ امیلی بود، یا گردنبند مروارید در ساعت چهار بعدازظهر با شال پشمی در آن هوای گرم با لحن خیلی رسمی».^۲

بااین‌حال ورود یک‌باره خانم سیمونیان به شهر شوکی است اگرچه زودگذر اما در هر حال فضای اطرافیان را کاملا تحت تأثیر قرار می‌دهد. خانه کلاریس مکانی برای رفت‌وآمد و دید و بازدیدشان می‌شود و خانواده کلاریس نیز هریک به طریقی متأثر از حضور سیمونیان‌ها می‌شوند. امیلی هم‌بازی دوقلوها می‌شود، آرمِن پسر کلاریس عاشق امیلی می‌شود و امیل سیمونیان، پدر امیلی و تنها فرزند خانم سیمونیان، هم‌بازی همیشه برنده شطرنج با آرتوش می‌شود. امیل که علاقه‌ای به شعر و کتاب و گفت‌وگو در این‌ زمینه دارد و مانند کلاریس از سیاست هم متنفر است، می‌تواند به‌ویژه همنشین خوبی برای کلاریس شود. او که به تدریج از موقعیت خود بیشتر آگاهی می‌یابد، می‌کوشد از کلاریس دلبری کند و خود را به او علاقه‌مند نشان دهد اما چون شخصی لحظه‌ای و متزلزل است و بیشتر تحت نفوذ مادرش خانم سیمونان است در

ادبیات



شکل‌های زندگی: زویا پیرزاد و زندگی متوسط

وسواس تکرار

آخر کار تصمیم به ازدواج با ویولت می‌گیرد که موقتا از تهران به آبادان آمده است.

کلاریس اما موقعیت سخت‌تری را تجربه می‌کند. از طرفی متأثر از امیل و علایق وی می‌شود و رفتار و کردارهای او را نشانه‌ای از عشق او به خود تلقی می‌کند و از طرفی دیگر به واسطه آشنایی حال خود را خوب‌تر حس می‌کند و آن را به حضور امیل ربط می‌دهد. کلاریس با خود می‌اندیشد که با امیل دنیای قشنگ‌تری را کشف می‌کند و از تنهایی مزمن که درورش ریشه دوانیده نجات پیدا می‌کند اما اینها تماما یک طرف ماجراست. طرف دیگر وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت کلاریس نسبت به همسر و فرزندانش و به‌طور کلی خانواده‌اش است؛ وظیفه‌ای که او را سرپا نگاه می‌دارد. تنش درونی در کلاریس شدت می‌گیرد و او را سرانجام به کلیسای می‌کشاند تا از ارواح گذشته‌گان که در عین حال نمادی از اخلاقیات تثبیت‌شده‌اند مدد گیرد تا او را آرام کند و آرامش ازدست‌رفته را به زندگی‌اش بازگرداند. کلاریس در کلیسا از پدرش که در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها همراه اوست می‌خواهد که به او کمک کند تا سرانجام آرامش به زندگی‌اش بازگشته و او به موقعیت آغازین خود برگردد. «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» رمان قابل تأملی است و می‌توان آن را از ابعاد گوناگون مورد

بررسی قرار داد. شخصیت‌های این رمان پرکشش هریک نقشی را بازی می‌کنند اما شخصیت اصلی رمان کلاریس است. او «مسئله» رمان است. آنچه کلاریس را مسئله می‌کند و او را به بحرانی عمیق می‌کشاند تنش میان وظیفه‌شناسی به مثابه امر اخلاقی و عشق به مثابه نیروی گریز از مرکز است. به بیانی دیگر تنش اصلی میان تکرار همچون امری اخلاقی و عشق به منزله رهایی از دایره تکرار است. آنچه خواننده در کلاریس به‌ویژه مشاهده می‌کند، رابطه میان تکرار و اخلاق است. نیچه میان این دو رابطه تنگاتنگ می‌یابد. از نظر نیچه تکرار جوهره هرگونه اخلاقی است به این معنا که تکرار به مرور و طی زمانی پیوسته می‌تواند چنان منش و رفتاری در آدمی به وجود آورد که گریز از آن امری ناپسند و از نظر اخلاقی بد و حتی گناه تلقی می‌شود.

اهمیت حادثه یا رخداد در این است که می‌تواند «تکرار» را به حال تعلیق درآورد. در این شرایط دو راه پیش‌رو است؛ استمرار تعلیق و در پی آن تجربه دنیایی دیگر و «یا» بازگشت به مدار اولیه که همانا تکرار روال گذشته‌ش است. این‌د دیگر به موقعیت، خواست و توان سوزه در انتخاب میان این دو ساحت متفاوت‌زیست بستگی پیدا می‌کند. حادثه در شکل‌های بی‌اندازه متفاوتی رخ می‌دهد. حادثه در رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»، ورود ناپهنگام و یک‌باره خانواده سیمونیان است که فضای آرام خانواده کلاریس را ملتهب می‌کند و آنها را ولو موقت از مدار خارج می‌کند و به تامل یا انتخاب وامی‌دارد. مواجهه با حادثه یا حتی به پیشواز آن رفتن دقیقا به مفهوم نیچه‌ای می‌تواند انتخابی باشد که توان بافوق آدمی را به فعل درآورد. این انتخاب در وجه عاطفی آن منجر به ظهور واقعهای مهم به نام عشق می‌شود که یک‌باره رخ می‌دهد. در این شرایط عشق همراه با ریسک، ماجراجویی و حتی ازدست‌دادن تمام موقعیت‌های پیشین است. انتخاب میان «همه‌چیز» یا «هیچ‌چیز» در حال انتخابی سرزشت‌ساز است که تمامیت یک زندگی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

آنچه در شخصیت کلاریس بارز است، «تکرار وسواس» است. «وسواس» اگرچه پدیده‌ای روانکاوانه است اما در زندگی جمعی می‌تواند واجد سویه‌ای محافظه‌کارانه باشد. مقصود از سویه محافظه‌کارانه آن است که «وسواس» به هر حادثه‌ای که منجر به تغییر شود روی خوش نشان نمی‌دهد، زیرا تغییر می‌تواند آرامش زندگی او را مختل کند و این همان چیزی است که کلاریس برنمی‌تابد. کلاریس با وجود پستی‌ها و بلندی‌های زندگی و اتفاقات گاه ناخوشایند زندگی‌اش مانند رابطه مشکوک سیاسی همسرش آرتوش با شاهنده و همین‌طور وجود نامطبوع خانم سیمونیان، وراجی‌های تمام‌شدنی خواهرش آلیس و مهم‌تر از همه کار سخت و طاقت‌فرسایی که برای یک زندگی شیک لازم است ازجمله وظایف عاجل خود می‌داند که در او حسسی از رضایت پدید می‌آورد بنابراین می‌کوشد با وسواس زندگی موجود را حفظ کند و خود را از هر تغییری دور نگه دارد. در این شرایط کلاریس هر اتفاق مهم حتی عشق را حادثه‌ای گذرا تلقی می‌کند که در هیچ حال نباید وظیفه‌شناسی اخلاقی و در پی آن آرامش زندگی‌اش را مختل کند.

۲، ۱. چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، زویا پیرزاد

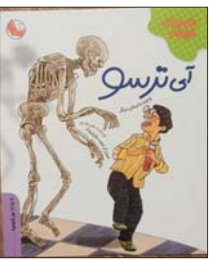
مجموعه‌ای متنوع برای کودکان و نوجوانان

داستان پیوسته منتشر است. برای اولین‌ها عنوان مجموعه‌ای دیگر از کتاب‌های نشر قصه و داستان است که شامل چند مجموعه از قصه‌های کوتاه است. عناوین این کتاب‌ها عبارتند از: «ابر در چمدان عینک در هوا» از ارغوان غلامی با تصویرگری ثنا حبیبی‌راد، «گفتش‌های جادویی جوم‌جوم» از شکوه قاسم‌نیا با تصویرگری آمنه اربابون، «قطره‌ها به صف» از محمدحسن حسینی با تصویرگری سولماز جوشقانی، «دو گاو و یک تپه» از لاله جعفری با تصویرگری آمنه اربابون و «بادکنک فیلی» از طاهره خردور با تصویرگری نوشین بیجاری.

در مجموعه «قصه کوتاه» که به گروه سنی ۷ تا ۹ سال اختصاص دارد چندین کتاب منتشر شده که عبارت‌اند از: «یک دروغ کوچولو» از شکوه قاسم‌نیا با تصویرگری سیدمبین موسوی، «سوسی گل‌چین» از مجید راستی با تصویرگری حمید خلوتی، «قصه‌های مورچه‌ریزه» از بهاره نیکخواه‌آزاد با تصویرگری مهدیه صفایی‌نیا، «یک قلعه برف» از



اکرک الف‌خانی با تصویرگری ایلکار رحیمی، «کجا می‌روی نردبان» از سرور کتبی با تصویرگری مهدیه صفایی‌نیا، «چی‌شد چی‌نشد» از پروین پناهی با تصویرگری حمید خلوتی، «این کرکه یا که گریه» از سیدیه خلوتی با تصویرگری نسیم بهاری، «یکی، دوتا، سه‌تا دوست» از محبوبه دشتی با تصویرگری فهیمه محبوب، «چی کاشتی چی نکاشتی» از بهاره نیکخواه‌آزاد با تصویرگری سارا خرامان، «بیا، بیا... بیا پیش من» از سوسن طاق‌دیس با تصویرگری ندا عظیمی، «آن طرف کبوه» از فروزنده خداجو با تصویرگری کیانا میرزایی، «باد بازبکوش» از عباس عرفانی‌مهر با تصویرگری کیانا میرزایی.



عطف

داستان علمی–تخیلی و قصه ماه

• شرق: نام ژول ورن با ادبیات علمی-تخیلی پیوند خورده و اگرچه امروز بسیاری از آرزوهایی که او در داستان‌هایش توصیف کرده بود، تحقق یافته‌اند اما داستان‌های او هنوز آثاری پرکشش و خواندنی‌اند. ژول ورن از مشهورترین نویسندگان ادبیات کلاسیک جهانی است که در سال ۱۸۲۸ متولد شد و در سال ۱۹۰۵ از دنیا رفت. او به عنوان نویسنده، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس شناخته می‌شود و شهرتش را بیش از هر چیز مدیون داستان‌های ماجراجویی و رمان‌هایی است که در ژانر ادبیات علمی-تخیلی دسته‌بندی می‌شوند. ژول ورن را پدر داستان‌های علمی-تخیلی نامیده‌اند و از این حیث او در تاریخ ادبیات نامی جاودانه به شمار می‌رود.

در ایران و از دهه‌ها پیش ژول ورن به‌واسطه ترجمه‌هایی که از آثارش به فارسی منتشر می‌شد شناخته شده بود و در اینجا هم مثل دیگر کشورها نویسنده‌ای برطرقدار بوده است. اغلب آثار مشهور ژول ورن در سال‌های مختلف در قطع و اندازه‌های گوناگون به چاپ رسیده‌اند و به جز این، اقتباس‌های زیادی هم از رمان‌های او در قالب فیلم، سریال و انیمیشن صورت گرفته و در ایران هم پخش شده‌اند. سابقه ترجمه فارسی از ژول ورن به دهه‌ها پیش بازمی‌گردد. در دوره ناصرالدین شاه و هم‌زمان با آغاز نهضت ترجمه از آثار ادبی و غیرادبی اروپایی، اثری از ژول ورن هم به فارسی برگردانده شد. در واقع این اوانس خان، ملقب به مساعدالسلطنه بود که نخستین‌بار اثری از ژول ورن را به فارسی ترجمه کرد. این اثر «میشل استروگوف» بود که یکی از مشهورترین آثار ژول ورن است. یکی از رمان‌های ژول ورن هم توسط محمدحسین فروغی (ذکا،الملک اول) ترجمه شده و این رمان هم یکی از رمان‌های مشهور او یعنی «دور دنیا در هشتاد روز» است که بر اساس آن فیلم و سریال هم ساخته شده و یک اقتباس انیمیشنی آن هم در اوایل دهه هفتاد از تلویزیون ایران پخش شد. فروغی این رمان را



با عنوان «سفر هشتادروزه دور دنیا» ترجمه کرده بود. جالب اینکه ژول ورن در یکی از رمان‌های ایرانی، یعنی «سوققصه به ذات همایونی» رضا جولایی نیز حضوری گذرا دارد.

ژول ورن نویسنده‌ای بسیار پرکار بود. در سال ۱۸۶۳ «پنج هفته در بال» منتشر شد و این داستان چنان موفقیتی به دست آورد که ژول ورن و ناشرش تصمیم گرفتند مجموعه‌ای با عنوان «سفرهای شگفت‌انگیز» را منتشر کنند. پس از این بود که ۶۲ رمان و ۱۸ مجموعه‌داستان از ژول ورن در طول چندین سال منتشر شد. مخاطبان آثار ژول ورن بسیار گسترده‌اند و طیف وسیعی از خوانندگان را در سن‌های مختلف شامل می‌شوند. «از زمین تا ماه» عنوان یکی از رمان‌های ژول ورن است که مدتی پیش با ترجمه ثمن نی‌پور در نشر افق منتشر شد. کمی پیش‌تر هم ترجمه دیگری از این اثر توسط محمد نجابتی در نشر ققنوس به چاپ رسیده بود.

رمان «از زمین تا ماه»، آن‌طوره که از عنوانش هم برمی‌آید، به آرزویی قدیمی برمی‌گردد و آن سفر انسان به ماه است. آن‌طوره که در خود کتابی هم توضیح داده شده، این رمان درباره جاه‌طلبی انسان و آرزویش برای سفر به تنها قمر کره زمین است. این اثر، جلد اول از دوگانه‌ای است که بعدها با عنوان «سفر به ماه» مشهور شد. جلد دیگر این دوگانه نیز «سفری به دور ماه» نام دارد. «از زمین تا ماه» در سال ۱۸۵۶ نوشته شد و به مسیری مستقیم به طول نود و هفت ساعت و بیست دقیقه مربوط است. کتاب دوم، یعنی «سفری به دور ماه»، پنج سال پس از انتشار کتاب اول نوشته شد. از این دو اثر نسخه‌های متعددی تاکنون منتشر شده که برخی نسخه‌ها خلاصه‌ای از متن‌های اصلی هستند اما ترجمه‌های که به تازگی منتشر شده، متن کامل اثر است که با نسخه فرانسوی تطبیق داده شده است. در بخشی دیگر از این رمان می‌خوانیم: «در طول هشت ماه که عملیات حفاری انجام شد، کارهای مقدماتی مربوط به قالب‌گیری و ریخته‌گری نیز با سرعتی خارق‌العاده و به صورت هم‌زمان در جریان بود. اگر غریبه‌ای قدم به محوطه کارگاهی در تپه استونزهیمل می‌گذاشت، از چشم‌انداز پیش‌رو، بهت‌زده، انگشت به دهان می‌ماند. در فاصله پانصدوپنجاه متری از فضای مدوری که چاه در مرکز آن قرار داشت، هزار و دویست کوره سوزان و غمران، هرکدام با قطر یک متر و هشتاد و دو سانتی‌متر، قرار داشتند که با فاصله برابر با یک متر، از دیگری منفک شده بودند. محیطی که این هزار و دویست کوره اشغال کرده بودند، طولی برابر با ۲/۳ کیلومتر داشت. تمام این کوره‌ها بر اساس یک طرح و نقشه ساخته شده بودند، دودکش‌های مربعی‌شکل داشتند و منظره‌ای خاص به آن محوطه بخشیدند».